



بیژن و منیژه

تهیه و تنظیم:

دکتر هدایت دلیپاک



سرشناسه	: دلباک، هدايت اله، ۱۳۲۵-
عنوان قراردادی	: شاهنامه، بیژن و منیژه، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: بیژن و منیژه/ تهیه و تنظیم هدايت دلباک،
مشخصات نشر	: تهران: سنجش و دانش
مشخصات ظاهري	: ۲۹۴ ص،
شابک	: ۲۵۰۰۰۰ ریال-4-978-622-051015-1
وضعیت فهرست نویسی	: قیما
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: فردوسی، ابوالقاسم، ۲۲۹ - ۴۱۶ق. . شاهنامه، بیژن و منیژه -- نقد و تفسیر
موضوع	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Bizhan va Manizhe -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
شناسه افزوده	: فردوسی، ابوالقاسم، ۲۲۹ - ۴۱۶ق. . شاهنامه، بیژن و منیژه، شرح
شناسه افزوده	: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh. Bizhan va Manizhe
رده بندی کنگره	: PIR۴۴۹۵
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۳۱۵۰۰

عنوان: بیژن و منیژه

سنجش و دانش

مؤلف: دکتر هدايت اله دلباک

ناشر: سنجش و دانش

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۸

irwww.sanjesh.

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

sanjeshodanesh@iran.ir

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۵-۱۰۱۵-۴

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: میدان انقلاب، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پلاک ۱۲۶.

تلفن: ۰۲۱۶۱۲۶



«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد»»

فهرست

- ۱: پیشگفتار ۱۴
- ۱-۱: رستم با لشکرش به راه توران افتاد ۱۵
- ۱-۲: منیژه به رستم نگاه کرد و زار گریست ۱۷
- ۱-۳: منیژه غذاها را برای بیژن برد ۱۷
- ۱-۴: بیژن به منیژه گفت: ای یار وفادار که همچون پرستاری در کنارم بودی ۱۸
- ۱-۵: رستم: من امشب باید انتقام سختی از افراسیاب بگیرم ۱۸
- ۱-۵-۱: رستم به سپاهی که بیرون شهر بود پیام فرستاد که مهای کارزار شوند ۱۹
- ۱-۵-۲: رستم بانگ داد که چرا افراسیاب دل جنگ نداری ۱۹
- ۱-۶: بیژن و گرازان ۲۰
- ۱-۶-۱: داستان بیژن و گرازان در شاهنامه ۲۰
- ۱-۶-۲: درگاه پادشاهی کی ۲۲
- ۱-۶-۳: بیژن به گرگین نهیب می‌زد ۲۲
- ۱-۶-۴: گرگین با دیدن دلاوری بیژن خود را جوار بافته و بر او حسد می‌برد ۲۳
- ۱-۷: بیژن و منیژه ۲۴
- ۱-۷-۱: شکایت مردم ارمان و اعزام بیژن به نبرد گرازان ۲۴
- ۱-۷-۲: آشنایی با منیژه و رفتن به کاخ ۲۶
- ۱-۷-۳: افش شدن حضور بیژن و تنبیه شدنش ۲۶
- ۱-۷-۴: عزیمت رستم به سوی توران برای نجات بیژن ۲۷
- ۱-۷-۵: دیدار منیژه با رستم و آگاه شدن رستم از داستان بیژن ۲۷
- ۱-۷-۶: آزاد شدن بیژن و حمله به کاخ افراسیاب ۲۸
- ۱-۷-۷: بازگشت بیژن به ایران ۲۸
- ۲: افراد کلیدی در داستان بیژن و منیژه ۳۰
- ۲-۱: بیژن و گرگین به راه افتادند و به آن پیشه رسیدند ۳۱
- ۲-۲: بیژن از روی جوانی و خامی پذیرفت و هر دو به راه افتادند ۳۲
- ۲-۳: افراسیاب گرسیوز را فرستاد تا کاخ را محاصره کند ۳۳
- ۲-۴: پیران نزد بیژن رفت و بر او رحمش آمد ۳۴
- ۲-۵: شاه از بیژن پرسید و گرگین دوباره همان دروغ‌ها را گفت ۳۷
- ۲-۶: منیژه دایه خود را فرستاد تا ببیند او کیست ۳۸
- ۲-۷: گیو از دیدن اسب پسرش مدهوش شد ۴۰
- ۲-۸: پیران که از شکار بزمیگشت آنها را دید ولی رستم را در آن لباس شناخت ۴۲

۴۳	۲-۸-۱: رستم منیژه را شناخت و دستور داد تا همه گونه خورش آوردند
۴۴	۲-۹: رستم از یزدان زور خواست
۴۶	۲-۱۰: افراسیاب
۴۹	۲-۱۰-۱: افراسیاب که چشم کاووس و رستم را دور دیده می‌آید و ایران را تسخیر می‌کند
۴۹	۲-۱۰-۲: رستم برای اینکه کیکاووس صلح را تأیید کند به پایتخت می‌رود
۵۰	۲-۱۰-۳: افراسیاب در اوستا
۵۱	۲-۱۰-۴: افراسیاب در شاهنامه
۵۳	۲-۱۱: گیو
۵۵	۲-۱۱-۱: گیو در نویسی
۵۵	۲-۱۱-۲: گیو دام رستم (از طریق وصلت با بانو گشسپ) بود
۵۶	۲-۱۱-۳: گیو به عزرا، پهلوان ایران در دوران پادشاهی کیخسرو و کیکاوس
۵۷	۲-۱۱-۴: گیو در شاهنامه
۵۸	۲-۱۲: منیژه
۵۸	۲-۱۲-۱: منیژه نام دختر افراسیاب
۵۹	۲-۱۳: گرگین پسر میلاد
۶۱	۲-۱۳-۱: گرگین در شاهنامه
۶۲	۲-۱۳-۲: در نبرد یازده رخ، گرگین یکی از پهلوانان ایرانی است
۶۳	۲-۱۳-۳: گرگین در افواه
۶۴	۲-۱۳-۴: بنیان گذاشتن شهر «لار» به دست «گرگین میلاد»
۶۴	۲-۱۳-۵: گرگین یکی از پهلوانان ایرانی شاهنامه و پسر میلاد
۶۶	۲-۱۴: کیخسرو
۶۸	۲-۱۴-۱: کیخسرو در دیانت و شهامت، سرآمد شاهان کیانی
۷۱	۲-۱۴-۲: پادشاهی کیخسرو
۷۲	۲-۱۴-۳: جنگ‌های ایران و توران
۷۳	۲-۱۴-۴: کناره‌گیری کیخسرو از پادشاهی
۷۴	۲-۱۴-۵: کیخسرو از دیدگاه عرفان
۷۴	۲-۱۴-۶: کیخسرو و کوروش
۷۵	۲-۱۴-۷: کوه شاه کیخسرو
۷۶	۲-۱۴-۹: اختلاف نظر در باره کیخسرو
۷۸	۳: شاهنامه فردوسی

- ۳-۱: هنگامی که زبان دانش و ادبیات در ایران زبان عربی بود، فردوسی، با سرودن شاهنامه با ویژگی‌های هدف مندی که داشت، زبان پارسی را زنده و پایدار کرد..... ۷۹
- ۳-۲: شاهنامه بزرگ‌ترین کتاب به زبان پارسی است..... ۸۰
- ۳-۳: زبان قبطی و ادبیات کهن مصر در یورش عرب‌ها به این سرزمین از بین رفت چون مصریان کسی مانند فردوسی ایرانی را نداشتند..... ۸۲
- ۳-۴: فردوسی هنگامی شاهنامه را سرود که زبان پارسی دچار آشفتگی بود..... ۸۲
- ۳-۵: نام فردوسی..... ۸۳
- ۳-۶: منبع و تاریخ سرایش شاهنامه..... ۸۳
- ۳-۷: شمار بیت‌های شاهنامه..... ۸۶
- ۳-۹: یکی از بن‌مایان مهم شاهنامه..... ۸۷
- ۳-۱۰: درون‌مایه و بخش‌بندی شاهنامه..... ۹۰
- ۳-۱۱: شاهنامه داستان قهرمان ایران باستان است..... ۹۰
- ۳-۱۲: ساختار شاهنامه..... ۹۱
- ۳-۱۳: پیشدادیان نخستین دودمان فرسروا در شاهنامه است..... ۹۲
- ۳-۱۴: کیومرث پسری به نام سیامک داشت که در جنگ، با دیوان کشته شد..... ۹۴
- ۳-۱۵: پس از طهمورث، فرزندش جمشید پادشاه شد..... ۹۴
- ۳-۱۶: ضحاک هزار سال فرمانروایی کرد..... ۹۵
- ۳-۱۷: در روزگار ضحاک آیین فرزندگان پنهان و کام دیوان آشکار شد..... ۹۶
- ۳-۱۸: فریدون از نژاد جمشید و فرزند آبتین و فرانک بود..... ۹۷
- ۳-۱۹: بخش پهلوانی شاهنامه..... ۹۷
- ۳-۲۰: زال از جانب سام پادشاه سیستان شد..... ۹۸
- ۳-۲۱: زایش رستم با رنج بسیاری همراه بود..... ۹۸
- ۳-۲۲: پس از افراسیاب گرشاسپ بر تخت نشست..... ۱۰۰
- ۳-۲۳: کی‌قباد که از نژاد فریدون بود، پادشاهی ایران را پذیرفت و دودمان کیانیان را بنیاد گذاشت..... ۱۰۰
- ۳-۲۴: پس از کی‌قباد، پسرش کی‌کاووس بر تخت نشست..... ۱۰۰
- ۳-۲۵: افراسیاب به ایران تاخت و اعراب را از ایران بیرون راند..... ۱۰۱
- ۳-۲۶: سیاوش با سپاهی بزرگ به جنگ با افراسیاب رفت..... ۱۰۱
- ۳-۲۷: کشته شدن سیاوش به فرمان افراسیاب..... ۱۰۳
- ۳-۲۸: پس از کشته شدن افراسیاب، کاووس پادشاهی خود را به کیخسرو داد..... ۱۰۳
- ۳-۲۹: در دوره پادشاهی گشتاسپ، زرتشت آیین خدایرستی آورد و گشتاسپ کیش او را پذیرفت..... ۱۰۴
- ۳-۳۰: بخش تاریخی شاهنامه..... ۱۰۵

- ۱-۳۰-۳: ساسانیان در شاهنامه ۱۰۵
- ۲-۳۰-۳: همای سی سال فرمانروایی کرد ۱۰۶
- ۳-۳۰-۳: پس از همای داراب به درازی دوازده سال پادشاه شد که فرزند بهمن و همای بود ۱۰۶
- ۳۱-۳: شاهنامه از اشکانیان و شاهان آن به جز یاد نام و برخی دانستنی‌های ناقص چیزی نگفته است ۱۰۷
- ۳۲-۳: گزارش شاهنامه از تبار ساسانیان ۱۰۷
- ۳۳-۳: نفوذ در ادبیات پارسی و ادبیات جهان ۱۰۸
- ۳۴-۳: نظم شاهنامه و ناموری آن در ایران مایه خیزش بزرگی در ایجاد منظومه‌های حماسی بزرگ گردید ۱۱۰
- ۳۵-۳: شاهنامه نفوذ بسیاری در ادبیات جهان داشته است ۱۱۱
- ۳۶-۳: اثرگذاران فردوسی و شاهنامه او بر زبان و ادب پارسی انکارناشدنی است ۱۱۲
- ۳۷-۳: در انواع ادبی فارسی اثرگذاری‌های گونه‌گون شاهنامه را می‌توان دید ۱۱۳
- ۳۸-۳: اثرگذاری شاه‌نامه ریشه حافظ ۱۱۳
- ۳۹-۳: شاهنامه در جهان ۱۱۵
- ۱-۳۹-۳: به دلایل گوناگون نفوذ شاهنامه در ادبیات عرب پررنگ به چشم نمی‌آید ۱۱۶
- ۴۰-۳: فردوسی و شاهنامه در میان فرانسوی‌زبانان ۱۱۶
- ۴۱-۳: فردوسی و شاهنامه نزد انگلیسی‌زبانان ۱۱۷
- ۴۲-۳: فردوسی و شاهنامه در میان آلمانی‌ها ۱۱۸
- ۴۳-۳: فردوسی و شاهنامه میان جمهوری‌های شوروی سابق ۱۲۰
- ۴۴-۳: کهن‌ترین برگردان شاهنامه به زبان گرجی ۱۲۳
- ۴۵-۳: فردوسی و شاهنامه در پهنه گیتی ۱۲۴
- ۴۶-۳: آثار پیرامون شاهنامه ۱۲۴
- ۴۷-۳: نسخه‌های دست نویس شاهنامه ۱۲۵
- ۱-۴۷-۳: نسخه فلورانس ۱۲۶
- ۲-۴۷-۳: نسخه موزه بریتانیا ۱۲۶
- ۳-۴۷-۳: نسخه کتابخانه موزه ملی قاهره ۱۲۸
- ۴-۴۷-۳: نسخه فرهنگستان شماره ۱ علوم شوروی ۱۲۸
- ۵-۴۷-۳: نسخه فرهنگستان شماره ۲ علوم شوروی ۱۲۸
- ۶-۴۷-۳: برگردان عربی شاهنامه ۱۲۸
- ۷-۴۷-۳: برخی از نسخه‌های موجود در هند ۱۲۹
- ۴۸-۳: نسخه‌های دست نویس نگاره‌دار شاهنامه ۱۳۰
- ۱-۴۸-۳: دوره سلجوقی ۱۳۰

۱۳۰	 دوره ۳-۴۸-۲ * ایلخانی
۱۳۱	 دوره ۳-۴۸-۳ * اینجویان
۱۳۳	 دوره ۳-۴۸-۴ * تیموری
۱۳۳	 نسخه ۳-۴۸-۵ * بایستقری
۱۳۴	 نسخه ۳-۴۸-۶ * تهماسبی
۱۳۵	 نسخه ۳-۴۸-۷ * آستان قدس
۱۳۶	 ۳-۴۸-۸ * برگزیده * ابیات شاهنامه
۱۳۷	 ۳-۴۹ * برگزیده های مشهور شاهنامه
۱۳۷	 ۳-۴۹-۱ * برگزیده های ارینه
۱۳۷	 ۳-۴۹-۲ * برگزیده های بوب
۱۳۸	 ۳-۴۹-۳ * کتاب های نوشته شده بر پایه * شاهنامه
۱۳۹	 ۳-۵۰ * فیلم های ساخته شده بر پایه شاهنامه
۱۴۰	 ۳-۵۱ * برگردان شاهنامه
۱۴۳	 ۳-۵۲ * بازنگرانه ترین پیرایش شاهنامه
۱۴۵	 ۳-۵۳ * داستان های شاهنامه به نثر
۱۴۶	 ۳-۵۴ * پژوهش های شاهنامه
۱۴۶	 ۳-۵۵ * واژگان عربی در شاهنامه
۱۴۷	 ۳-۵۶ * هزاره * شاهنامه در یونسکو
۱۴۹	 ۳-۵۷ * هستی شناسی شاهنامه
۱۴۹	 ۳-۵۸ * سنجش و تفسیر شاهنامه
۱۴۹	 ۳-۵۸-۱ * دیدگاه انتقادی احمد شاملو و واکنش های دیگران
۱۵۰	 ۳-۵۸-۲ * تنقیح بهرام بیضایی
۱۵۱	 ۳-۵۸-۳ * نگرش جلال خالقی مطلق
۱۵۱	 ۳-۵۸-۴ * عقیده * محمود امیدسالار
۱۵۱	 ۳-۵۸-۵ * نظر فریدون جنیدی
۱۵۱	 ۳-۵۹ * پژوهشکده های شاهنامه
۱۵۲	 ۳-۶۰ * گفتگو با محبوبه حاجی پروانه؛ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران
۱۵۴	 ۳-۶۰-۱ * فردوسی یکی از شعرایی است که حرف و حدیث های زیادی پیرامون زن ستیز بودن او مطرح می شود
۱۵۴	 ۳-۶۰-۲ * داستان های شاهنامه نشان می دهد فردوسی بسیار زن ستا ست
۱۵۵	 ۳-۶۰-۳ * فردوسی تصویر خوبی از پادشاهان زن ایران ارائه داده است

- ۳-۶۰-۴: همه زنان شاهنامه زنان خوبی هستند و به شدت به شوهرانشان وفادارند ۱۵۶
- ۳-۶۰-۵: در شاهنامه زنان به مردان پیشنهاد ازدواج می‌دادند ۱۵۶
- ۳-۶۰-۶: در شاهنامه مردها هم رفتار درستی با این زنان داشتند ۱۵۷
- ۳-۶۰-۷: بیژن به خاطر منیژه مدت‌ها در چاه اسیر می‌ماند ۱۵۸
- ۳-۶۰-۸: در شاهنامه فردوسی دختر پرده‌نشین و خانه‌نشین نیست ۱۶۰
- ۳-۶۰-۹: در شاهنامه فردوسی نقش مادری زنان چگونه به تصویر کشیده شده است؟ ۱۶۰
- ۳-۶۰-۱۰: مادران شاهنامه خردمند بودند ۱۶۳
- ۳-۶۰-۱۱: دیدگاه فردوسی در خصوص به دنیا آمدن فرزند دختر و پسر چگونه است؟ ۱۶۳
- ۳-۶۰-۱۲: بیژن از گره‌های بزرگ داستان را به وسیله زنان باز می‌کند ۱۶۴
- ۳-۶۰-۱۳: بیژن وجود چند بیت معدود نمی‌توانیم بگوییم فردوسی زن ستیز است ۱۶۵
- ۳-۶۰-۱۴: شاهنامه داستان زنان است که زن را بزرگ می‌دانستند ۱۶۶
- ۳-۶۰-۱۵: داستان شهر زنانه‌ای که بسیار موفق بود ۱۶۶
- ۳-۶۰-۱۶: در دیدگاه ایرانیان، مرتبه ادامه‌دهنده نسل نبود ۱۶۷
- ۳-۶۱: داستان بیژن و منیژه ۱۶۸
- ۳-۶۱-۱: گرگین مردی کارکشته، نیرومند و بد راه بود ۱۷۰
- ۳-۶۱-۲: کسی نبود که خبر نامردی گرگین را به شاه برساند ۱۷۰
- ۳-۶۱-۳: گرگین، بیژن را تحریک نمود که مخفیانه مجلس آن‌ها نگاه کند ۱۷۱
- ۳-۶۱-۴: بیژن و منیژه شیفته‌ی هم شدند ۱۷۱
- ۳-۶۱-۵: "گیو" به توران آمد ۱۷۲
- ۳-۶۱-۶: بیژن را به کاخ افراسیاب بردند و افراسیاب بی‌درنگ فرمان خن را صادر کرد ۱۷۳
- ۳-۶۱-۷: گرگین، روی خراشیده و گریان گفت که بیژن ناپدید شد ۱۷۳
- ۳-۶۱-۸: از رستم استقبالی باشکوه شد ۱۷۴
- ۳-۶۱-۹: منیژه بی‌درنگ به سوی چاه دوید و بسته‌ی غذا را به درون چاه انداخت ۱۷۵
- ۳-۶۱-۱۰: منیژه باریسمانی بیژن را بیرون کشید ۱۷۵
- ۳-۶۱-۱۱: رستم دست بیژن و منیژه را در دست هم نهاد ۱۷۷
- ۴: داستان بیژن و منیژه ۱۸۹
- ۴-۱: ویس و رامین ۱۸۹
- ۴-۲: زال و رودابه ۱۹۰
- ۴-۳: رستم و تهمینه ۱۹۳
- ۴-۴: بیژن و منیژه ۱۹۴
- ۴-۵: گشتاسپ و کتایون ۱۹۵

۱۹۷	۴-۶: خسرو و شیرین
۱۹۹	۴-۷: لیلا و مجنون
۲۰۱	۴-۹: یکی از داستان‌های دل‌انگیز شاهنامه‌ی فردوسی، ماجرای عشق بیژن و منیژه است
۲۰۲	۴-۱۰: داستان از بزمی در حضور کیخسرو شروع می‌شود
۲۰۳	۴-۱۱: بیژن که جوانی جویای نام است، بر ادعایش اصرار می‌ورزد
۲۰۳	۴-۱۲: گرگین به بیژن پیشنهاد می‌کند که حالا که تا اینجا آماده‌اند بهتر است به تماشای دختران تورانی بروند
۲۰۴	۴-۱۳: منیژه نمی‌تواند از این معشوق ایرانی دل ببرد
۲۰۵	۴-۱۴: بیژن در بین دختران تورانی به عیش و باده‌گساری مشغول است
۲۰۵	۴-۱۵: شاه فرمان می‌دهد که دست و پای بیژن را به زنجیر ببندند و او را در چاهی سرنگون کنند
۲۰۸	۴-۱۶: منیژه داستان عشقش با بیژن و داستان گرفتاری او در چاه را بیان می‌کند
۲۰۸	۴-۱۷: رستم بیژن را نجات می‌دهد و به همراه منیژه به ایران می‌آورد
۲۱۰	۴-۱۸: داستان بیژن و منیژه (صفحه ۱)
۲۲۲	۴-۱۹: راز ماندگاری شاهنامه‌ی فردوسی
۲۲۳	۴-۲۰: داستان بیژن و منیژه یک داستان رمزم و نمادین است
۲۲۳	۴-۲۱: کیخسرو با بزرگان کشور در کاخ خویش مشوره و با شای روزگار می‌گذراند
۲۲۴	۴-۲۲: کیخسرو برای دفع گرازها از پهلوانان خود یاری می‌جوید
۲۲۵	۴-۲۳: بیژن در شکارگاه اسب خود را رها کرده و به خیمه‌گاه منیژه وارد می‌شود
۲۲۵	۴-۲۴: منیژه به بیژن غذا می‌رساند
۲۲۶	۴-۲۵: داستان بیژن و منیژه با تصویری از مجلس بزم کیخسرو آغاز می‌شود
۲۲۷	۴-۲۵-۱: کیخسرو سر سلسله‌ی معنوی تمام انسان‌هاست
۲۲۷	۴-۲۵-۲: کیخسرو و بزرگان کشورش در عالم مینو به سر می‌برند
۲۲۹	۴-۲۵-۳: اهریمن به قلمرو روشنایی هجوم آورده، فکرهای پلید، ساخت پندار نیک را آورده
۲۳۰	۴-۲۵-۴: بیژن صفت ظلومی و جهولی انسان را به نمایش می‌گذارد
۲۳۳	۴-۲۵-۵: هرچه از ایران به طرف ارمان می‌رویم بر کثافت و جسمانیت افزوده می‌شود
۲۳۴	۴-۲۵-۶: گرگین میلاد در این داستان یک نماد چند سویه است
۲۳۵	۴-۲۵-۷: بیژن به دمدمه‌های همراه خود گرگین (در اینجا نفس اماره) به ایران باز می‌گردد
۲۳۵	۴-۲۵-۸: بیژن به عشق پری رویان به جشنگاهی نزدیک خاک توران می‌رود
۲۳۷	۴-۲۵-۹: بیژن بزمگاه دنیا را همانند مینو می‌بیند و خود را برای جشن آماده می‌کند
۲۳۸	۴-۲۵-۱۰: منیژه معشوق زیبای ایرانی را در آغوش می‌گیرد
۲۳۹	۴-۲۶: افراسیاب از آمدن بیژن به توران مطلع می‌شود

- ۲۷-۴: هنگامی که بیژن با گرازها می جنگید وی مینویی و بر اسب روح و فروهر خویش سوار بود. ۲۴۰
- ۲۸-۴: بیژن از ایران (عالم مینو) به جنگ نیروهای اهریمنی آمد. ۲۴۱
- ۲۹-۴: منیژه رابطه میان رستم و بیژن است. ۲۴۳
- ۳۰-۴: منیژه تمام تعلقات و دل بستگی های دنیایی را کنار گذاشته و یکسر میل به بیژن دارد. ۲۴۳
- ۳۱-۴: بیژن در چاه از اصل خود دور شده است. ۲۴۶
- ۳۲-۴: گناه گرگین میلاد بد اندیشیدن و دروغ است. ۲۴۶
- ۳۳-۴: رستم از جانب کیخسرو مامور آوردن بیژن می شود. ۲۴۸
- ۳۳-۱-۴: در توان خبر می پیچد که کاروانی از ایران آمده است. ۲۴۹
- ۳۳-۲-۴: رستم از طریق منیژه خبر آمدنش را به بیژن در چاه مانده می رساند. ۲۴۹
- ۳۳-۳-۴: رستم شانه ای از خویش در مرغی تعبیه می کند و به منیژه می دهد تا به بیژن برساند. ۲۵۰
- ۳۳-۴-۴: تشبیه رخ مهره به رخ رشید است. ۲۵۱
- ۳۳-۵-۴: بیژن مژده رهایی را به منیژه می دهد. ۲۵۳
- ۳۳-۶-۴: منیژه به دستور رستم در چاه آتشی روشن می کند. ۲۵۳
- ۳۳-۷-۴: رستم تا هنگامی که بیژن گمین میلاد را نمی بخشد او را از چاه بیرون نمی آورد. ۲۵۴
- ۳۳-۸-۴: قصد بیژن جنگ با گرازهای آرمان بود که به یک جنگ درونی مبدل شد. ۲۵۶
- ۳۴-۴: داستان بیژن و منیژه از داستان اسب سیرین و شاهنامه است. ۲۵۸
- ۳۴-۱-۴: خوکان نیز به او حمله ور شدند و یکی از آنها زره اش را درید، اما بیژن با یک ضربه خنجر او را به دو نیم کرد. ۲۶۰
- ۳۴-۲-۴: منیژه دختر ناز پروده افراسیاب با صد کنیز مادر در چهار عمارت زرین به دشت رسیدند. ۲۶۱
- ۳۴-۳-۴: منیژه هم بیژن را پذیرا شد و از راه و همراهش پرسید. ۲۶۲
- ۳۴-۴-۴: بیژن چون به هوش آمد و خود را، در کاخ افراسیاب گرفتار دید. ۲۶۳
- ۳۴-۵-۴: افراسیاب چون بیژن را دید، بر او خروشید که: ای خیره سربه این سرزمین چرا آمدی؟ ۲۶۴
- ۳۴-۶-۴: بیژن، دست از جان شسته، با دستهای بسته و دهانی خشک در محطای مرگ بود. ۲۶۵
- ۳۴-۷-۴: افراسیاب با گرسیوز دستور داد تا سر تا پای بیژن را به غل و زنجیر ببندند. ۲۶۸
- ۳۴-۸-۴: منیژه با دلی سوخته و اشک خونین، در آن دشت سرگردان ماند. ۲۶۸
- ۳۴-۹-۴: گیو آن داستان یاهو را باور نکرد. ۲۶۹
- ۳۴-۱۰-۴: شاه برآشفته و بیژن، را به دشنام از پیش تخت براند و فرمود تا با بند گران پایش را ببندند. ۲۷۰
- ۳۴-۱۱-۴: خسرو هر هفت کشور را نگریست ولی از بیژن نشانی ندید. ۲۷۱
- ۳۴-۱۲-۴: گیو به پیشباز رستم رفت. ۲۷۱
- ۳۴-۱۳-۴: تهمتن، به پیشگاه خسرو رسید. ۲۷۲

- ۴-۳۴-۱۴: گرگین پیامی نزد رستم فرستاد و از کار خود اظهار پشیمانی نمود ۲۷۳
- ۴-۳۴-۱۵: رستم بار دیگر از شاه خواهش کرد که چون گرگین از کرده خود پشیمان است، او را ببخشد ۲۷۳
- ۴-۳۴-۱۶: چون کاروان به مرز توران رسید، رستم سپاه را در مرز گذاشت ۲۷۴
- ۴-۳۴-۱۷: چون منیژه خبر یافت کاروانی از ایران به ختن آمده، با پای برهنه و سر گشاده گریان نزد رستم آمد ۲۷۶
- ۴-۳۴-۱۸: رستم که منیژه را شناخت دستور داد تا همه گونه خورش آورند ۲۷۷
- ۴-۳۴-۱۹: منیژه نزد رستم رفت و پیام بیژن را رسانید ۲۷۸
- ۴-۳۴-۲۰: تهمتن چون بشو را دید، زره در بر کرد ۲۷۸
- ۴-۳۴-۲۱: بیژن دل از کین گرگین پاک کرد و رستم کمند را در چاه افکند ۲۷۹